

## قدرت قلم

نوشته هانری - ژان مارتن

کلام مکتوب همیشه با قدرت، ارتباطی نزدیک داشته است. اما سواد نقطه حرکت برای دستیابی به آزادی عقلانی و وسیله اعمال قدرت و عاملی مهم در انقلابهای بزرگ تاریخ دنیا بوده است.

حال نوشتار در خاورمیانه به دلیل کاربرد تجاری، کم‌کم ساده‌تر شد و عاقبت راه را برای پیدایش نظامهای الفبایی هموار ساخت.

به موازات این تحولات، کسانی که نوشتن می‌دانستند به قدرت فوق‌العاده اجتماعی دست یافتند و در بعضی نقاط جهان، نوشتن در انحصار کشیشان باقی ماند، در حالی که در جاهای دیگر، مثلاً در گُل باستان، کشیشان حاضر نشدند رموز کار خود را به صورت نوشته در آورند. بنابراین یک قانون کلی، امتیاز نوشتن مدتها در انحصار کاتبان باقی ماند، و این وضع در جاهایی برقرار بود که همچون بین‌النهرین، مصر و چین با هم فاصله بسیار داشتند.

## مجوزی برای قدرت

کاتبان یا تسلطی که بر حافظه جمعی اجتماع داشتند و با مسئولیتی که برای تدوین قوانین پیدا کرده بودند، موقعیت خود را به عنوان مشاوران عالی مقام و صاحب نفوذ و به عنوان قاضیان مقتدر در میان مردم جا انداختند و غالباً سهمی از ثروت آنان و مالیاتهایی را که گرد می‌آوردند، از آن خود می‌ساختند. در چنین اوضاعی رومیان، خسته از این‌گونه داوری و اطاعت از قوانینی که اطلاعی از آنها نداشتند، وقتی خواندن و نوشتن را فرا گرفتند، تقاضا کردند تا قوانین به روی صفحات چوبی نوشته شود و در کاپیتول به نمایش درآید.

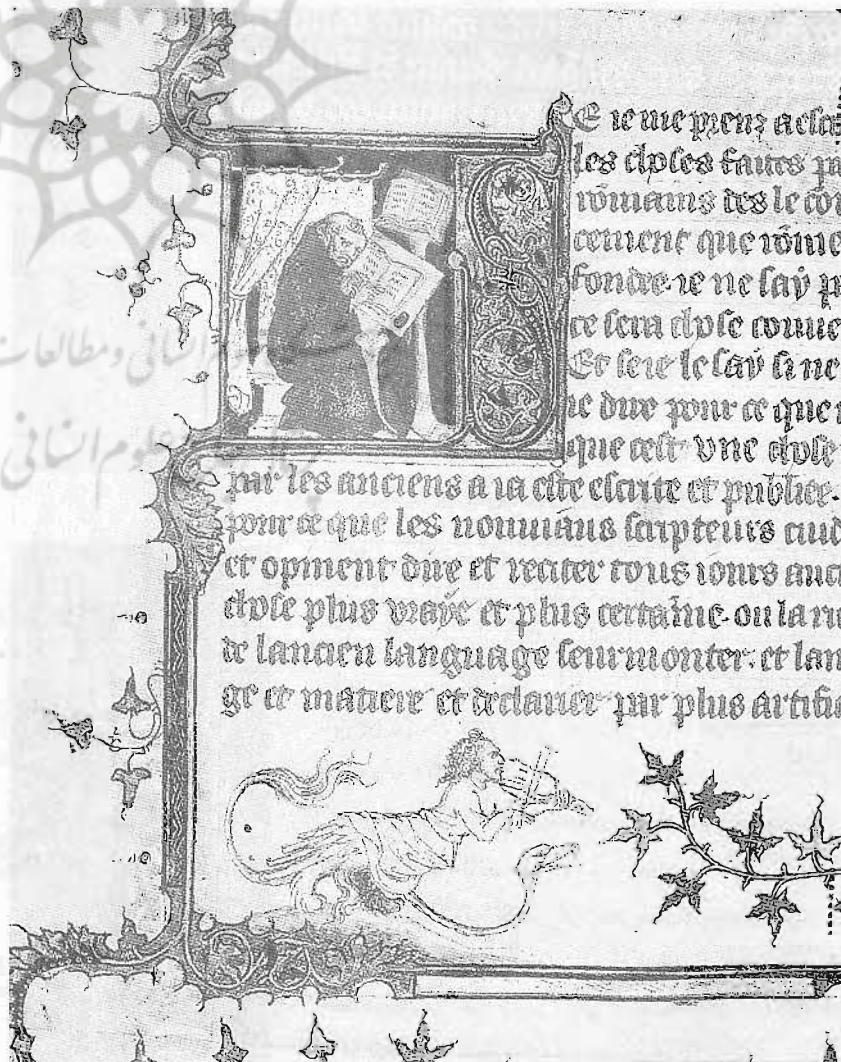
در زمان هجوم اقوام وحشی به غرب اروپا، فرهنگ مکتوب به صومعه‌ها، جایی که نگران حفظ متون مقدس و مذهبی بودند، پناه برد. بعدها، پس از شکل‌گیری دوباره اروپا، نوشتن یک بار دیگر در شهرهای تازه بنیاد سر برآورد، و صاحب منصبان فئودالی که قدرتش را به زور تحمیل کرده بودند، دست به سوی مشایخی دراز کردند که در جوامع نویسندگان اروپای غربی، به عنوان متخصصان کلام مکتوب موقعیت ممتازی برای خود به دست آورده بودند.

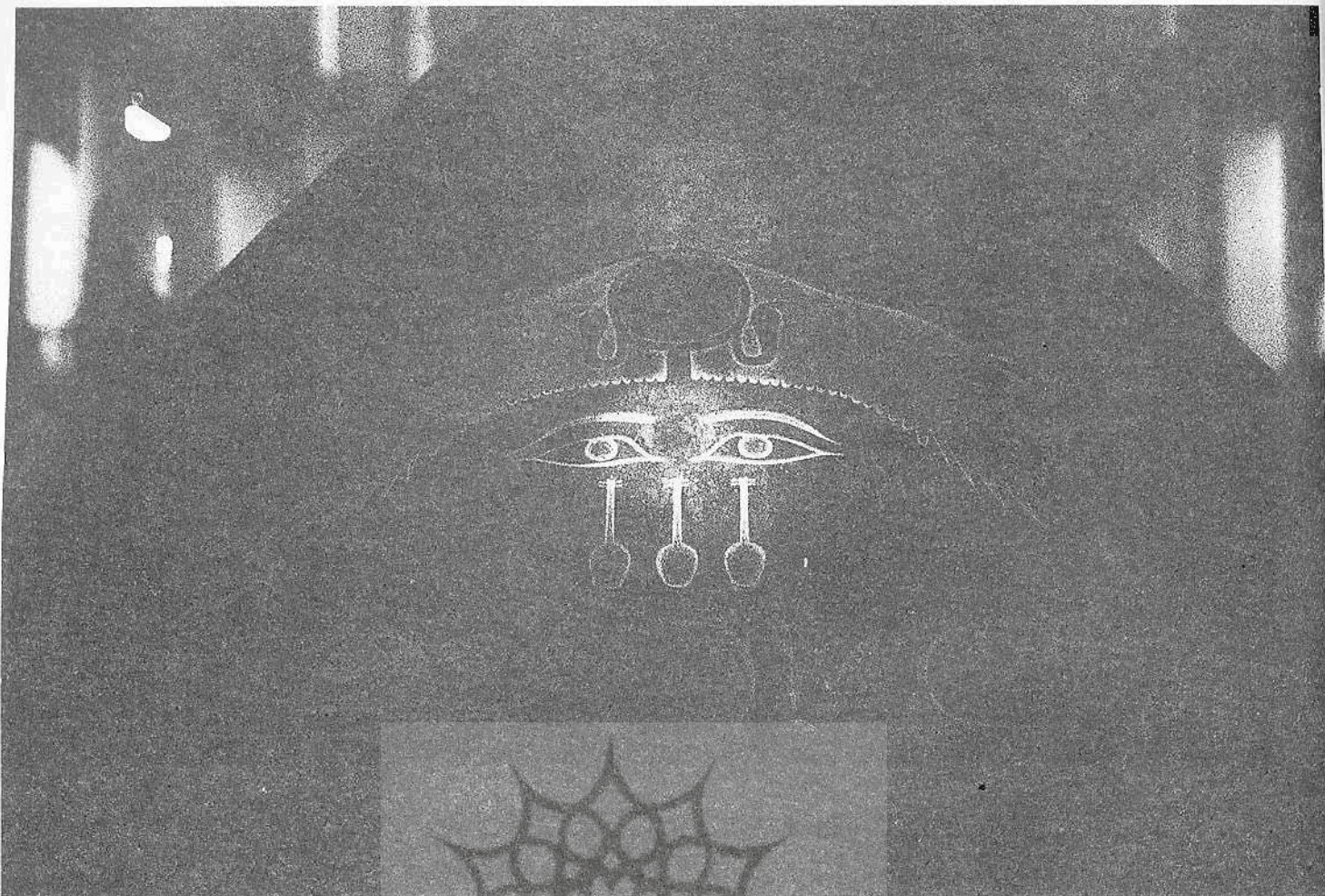
در کاخهای شاهزادگان عهد رنسانس، منشی یا مشاور حضور نقشی بسیار با اهمیت یافت، و بسیاری از بشردوستان

شاید هرگز نتوانیم پی ببریم که چه چیز منجر به پیدایش نوشتار در زمانها و مکانهای مختلف گردید.

در خاور دور، نخستین نمونه‌ها به منظور تسهیل ارتباط با خدا ابداع شد، حال آنکه در خاورمیانه عمده‌ترین فایده نوشتار برای محاسبه بود. در مرحله بعدی نوشتن برای ثبت قوانین جاری و حکایات سنتی برای آیندگان به کار رفت، در عین

در جزئی از یک نسخه دستنویس متعلق به سال ۱۳۷۰، که زمانی در کتابخانه امپراتور چارلز پنجم نگهداری می‌شد، راهب نسخه برداری دیده می‌شود.





در مصر فرعون خنخس خط هیروگلیف  
(که کلام خدایان) روی دیوار معابد و  
گنبدها، مجسمه‌ها، اشیای مدفون شده  
و اجناس عادی زندگی روزمره،  
به کار می‌رفت. این طراحیهای زیبا  
هم دیدنی بودند و هم خواندنی.  
بالا، ماکت یک «هرم» در موزه قاهره.

اما این تحولات همیشگی یا گریزناپذیر بودند. امروز هنوز هم نظامهای نوشتاری وجود دارند که با زبان گفتاری رابطه انعطاف‌پذیرتری دارند، نظامهایی که محصول ترکیبی از عوامل هستند - مثل ساختار زبان، ویژگی درونی هر علت و تأثیرپذیریایی که در طول تاریخ داشته است. علاوه بر این نحوه ارائه اسناد حداقل در غرب، هماهنگی با تغییرات جامعه و با رابطه پیچیده جامعه با کلام مکتوب و شفاهی، به‌طور مداوم تحول یافته است.

مثلاً طومارهایی که سخنان سیرون بر آن ثبت شده، محتوی متنی پیوسته است بی آنکه بین کلمات یا پاراگراف‌ها فاصله‌ای باشد؛ مقصود از ثبت آن متنها این بود که با صدای بلند خوانده و از طریق شنیدن درک شوند. از قرن یازدهم به بعد بود که نسخه‌پردازان کم‌کم عادت کردند تا کلمات را منظم‌تر از هم جدا کنند. سوما تئولوژیایی (مدخل الهیات Summa Theologiae) اثر توماس آکویناس قدیس مرکب از صفحات متراکم و همراه با انبوهی از اختصارات و نشانه‌های رنگین در بین فواصل است؛ این نوشته که براساس یک مباحثه شفاهی تدوین یافته، به مقالاتی تقسیم شده است که مطابق با الگوی مرسوم برای حفظ خط استدلال، به باحثی از جزئیات گرفته تا کلیات می‌پردازد.

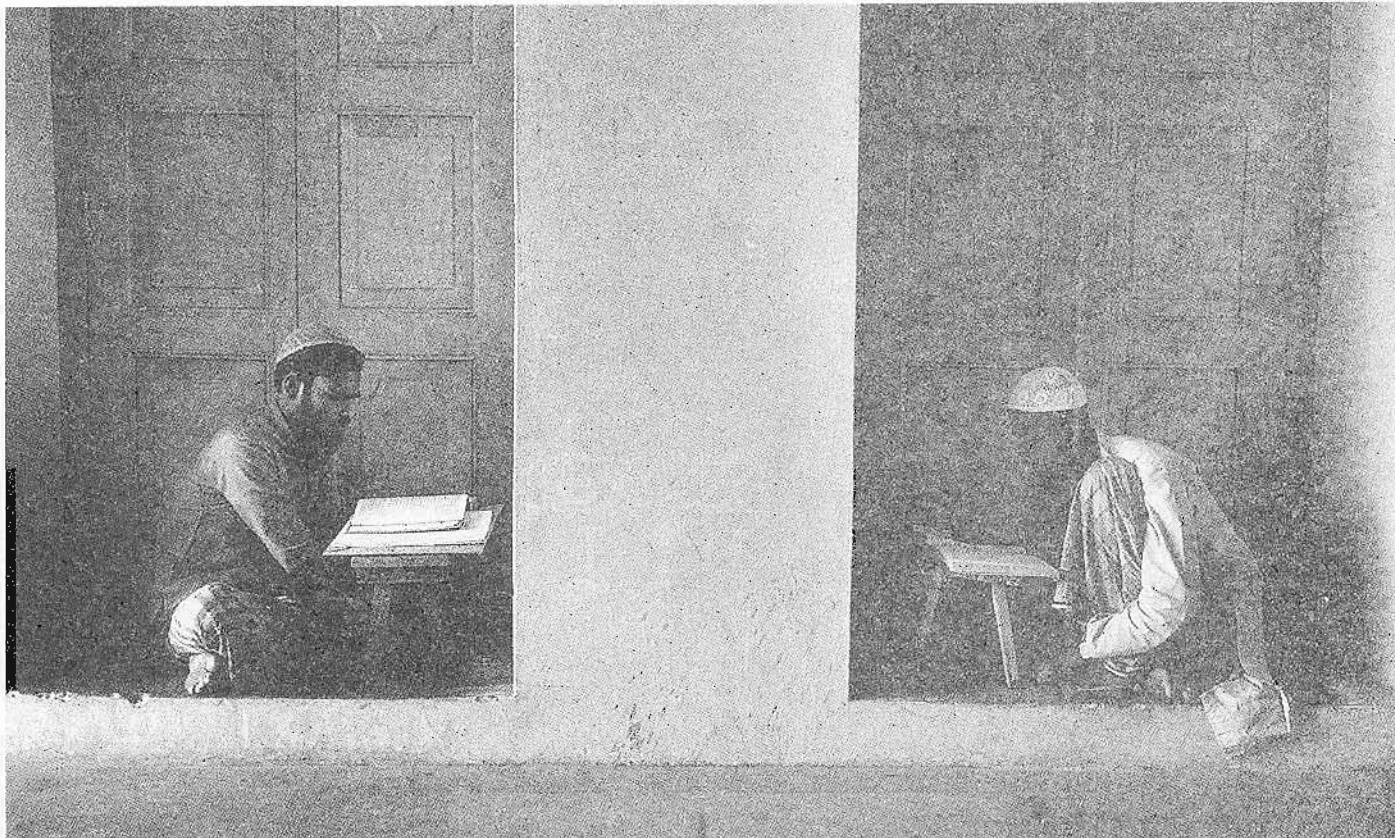
(humanists) حوزه پاپی، فلورانس یا دیگر نمایندگان، از میان آدمهای دانش‌آموخته‌ای که مسئول تهیه اسناد دیپلماتیک، قانونی یا اداری بودند، جذب شدند.

مثلاً در فرانسه، این اشخاص که به ادارات راه یافته بودند قشر اجتماعی جدیدی را به وجود آوردند و موجب پیدایش نخبه‌ای جدیدی شدند که با موفقیت کوشیدند تا سهمی بزرگ از قدرت و ثروت دولت را به خود اختصاص دهند.

### قانون کلام

به این ترتیب نوشتن تبدیل به وسیله اعمال حکومت و قدرت، توسط نخبگان شد. همزمان، منطق خود را نیز به مردمانی که از آن استفاده می‌کردند، قبولاند. در عمل و به‌مرور زمان نوشتار از طریق ثبت آداب و رسوم توانست آنها را از تحول خودجوش به‌صورت یک محصول وجدان جمعی، چنانکه ست شفاهی اجازه چنین کاری را می‌داد، بازدارد. به این ترتیب رفته‌رفته جامعه را تابع قانون ساخت. قانون به سهم خود، دارای مؤلف و تاریخ و بنا به تعریف به‌صورت مکتوب و مقید به آن بود، اما ناگزیر به‌مرور زمان، تماس خود را با نیازهای متغیر جامعه از دست می‌داد و مشکلات بی‌انتهایی تفسیر قانون را پیش می‌آورد.

هانری - ژان مارتین  
متخصص آرشیو و کتیبه‌شناس  
فرانسوی که اکنون رئیس  
مدرسه مطالعات عالی پاریس و  
استاد ممتاز مدرسه ملی پاریس  
(پاریس) است. وی مؤلف تعدادی از  
پژوهشهای تاریخی و جامعه‌شناختی  
است و تا به حال جوایز بسیاری را  
نصیب خود ساخته است.



یک مدرسه اسلامی در دارالعلوم دتویانده، نزدیک اوتار پرادش (هند).

ابتدا از این باور گسترده که بر آن است که بعضی انواع نوشتن بیش از دیگران کاربرد دارند، رها شویم. اکنون این نکته پذیرش عام یافته است که سواد بیش از هر چیز پاسخگوی نیاز به محدودیت زدایی ذهنی و ارتباط با جهان خارج است. فهم یک متن فقط بستگی به فن کار ندارد؛ بلکه مستلزم این نیز هست که خوانندگان ذهنیت و آن گنجینه لازم از مفاهیمی را داشته باشند که توان ایجاد ارتباط متقابل شخصی با متن مورد نظر را به آنان می‌دهد.

یکی از پیامدهای عمده پیدایش نوشتار، تقسیم مردم برحسب قابلیت آنها در استفاده از کلام مکتوب بود. به طور کلی در بسیاری از جوامع تقریباً ضرورت یافت که همه اگر نمی‌توانند بنویسند حداقل بتوانند بخوانند تا قادر باشند متون قانونی یا مذهبی را فراگیرند و رمزگشایی کنند. مقامات مذهبی یا کشوری معتقد بودند که مهمتر از هر چیز آموختن مبادی خواندن است، یعنی شکل دسترسی منفعلانه به کلام مکتوب. مثلاً در اروپا، ابتدا به کودکان آموخته می‌شد تا حروف را تشخیص دهند و دعاهای لاتینی را درک و تفسیر کنند، و نوشتن غالباً به بعد موکول می‌شد و اختیاری بود. این روش که عمدتاً در مورد دختران (که به قول یکی از شخصیت‌های نمایشنامه‌های مولیر، نمی‌بایست نوشتن را یاد می‌گرفتند تا مبادا با عاشقان خود مکاتبه کنند) به کار می‌رفت، اقتضای اجتماعی نیمه باسوادی را به وجود می‌آورد که می‌توانستند فقط از طریق خواندن دست‌جمعی یا متون آشنایی پیدا کنند. به دلایل مشابه، ظاهراً تا مدت‌ها خواندن با صدای بلند، بخصوص در مورد داستان خواندن زنان، مرسوم بوده

بعدها، با اختراع چاپ، استفاده از پاراگراف به آن صورت که اکنون می‌شناسیم عمومیت یافت و با فواصلی همراه شد که هم به چشم و ذهن خواننده فرصت استراحت می‌داد و هم به هضم آنچه خوانده شده بود کمک می‌کرد. مسلماً تصادفی نیست که گفتار در روش [به کار بردن عقل] نوشته دکارت (۱۶۳۷) نخستین اثر فلسفی فرانسوی بود که به شیوه جدید حروفچینی شد.

به دلیل همین روشهای ارائه مطالب به صورت چاپی، زبان گفتار و آثار مکتوب - که اکنون می‌بایست خواننده می‌شد و نه بر زبان بی‌آمد یا شنیده می‌شد - در جهان غرب رفته رفته هرچه بیشتر از هم جدا شد. این تحول احتمالاً از قرن نوزدهم و ظهور و گسترش آگهیهای تبلیغاتی موجب بسازگشت به تصویر شد. این گرایش روزنامه‌ها را هم تحت تأثیر قرار داد، زیرا آنها را مجبور کرد تا برای افزایش تیراژ نوعی صفحه‌آرایی را برای جلب دقت بیشتر به کار برند تا بیشترین اطلاعات و احساسات را در کمترین زمان ممکن انتقال دهند.

### تفرقه بینداز و حکومت کن

برای درک مشکلات ناشی از دستیابی به هدف نوشتن، باید

کسانی که توانایی نوشتن داشتند با تسلط بر حافظه جمعی و برعهده گرفتن مسئولیت تدوین قوانین، موقعیت خود را به عنوان مشاوران و قاضیان هم‌نوعان خود تحکیم کردند.



یک دانشکده برای دهفتانان در  
لندن، در ۱۹۱۸.

است؛ اما تأثیر این تکنولوژیها برعکس تأثیر خواندن، موجب شده است که بر اهمیت احساس و تبلیغات بیشتر افزوده شود تا رویکرد منطقی و تفکر فردی.

تحول درازمدت نوشتار در غرب، از ابداع نخستین خط‌نگاره‌ها یا اندیشه‌نگارها تا ضبط کامل کلام توسط علائم آوایی، به‌سوزات تحولی در روح منطقی و تحلیلی صورت گرفته است، تحولی که متن مکتوب را به‌خاطر پایداری و ثباتش، بر کلام شفاهی ناپایدار رجحان داده است. نوشتن در عین حال که وسیله‌ای در دست قدرت است، این توانایی را نیز دارد که ذهن را آزاد سازد و آن را تبدیل به وسیله‌ای کند برای رهایی از چنگ قدرت حاکم.

یکی از پیامدهای عمدهٔ پیدایش نوشتار تقسیم مردم برحسب قابلیت آنها

در استفاده از کلام مکتوب بود.



پروژه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

جوانان در یک مدرسه در آنتیکوم، یاتا،  
گینه فرانسه، پیش از آنکه  
تحصیلات خود را در مدارس فرانسوی  
ادامه دهند، ابتدا خواندن و نوشتن را  
به زبان «دایانا» زبان مادریشان  
می‌آموزند.

است. فقط آنهایی که به طبقات حاکم تعلق داشتند و آنهایی که به تحصیل در کالج و دانشگاهها می‌پرداختند قادر بودند که در سکوت و پیش خود کتاب بخوانند.  
به این ترتیب جوامع غربی تا مدتهای مدید فقط به‌طور ناقص باسواد بردند؛ بعضی، البته با اندکی اغراق، مدعی شده‌اند که انقلابهای بزرگ زمانی رخ داد که بیش از نیمی از جمعیت جوامع باسواد شدند. این نکته را نیز باید به یاد داشت که در طول تاریخ، خط فاصل شخصی بین فرهنگ مکتوب و سنت شفاهی وجود نداشته است. جنبشهای توده‌ای عظیم، مثل جنبشهای بدعت‌گذارانهٔ قرون وسطا، اصلاحات مذهبی در قرن شانزدهم، و انقلابهای سیاسی - انگلستان در قرن هفدهم، فرانسه در اواخر قرن هجدهم؛ روسیه در آغاز قرن بیستم - بیشترشان از تصویرها، آوازه‌ها و کلام شفاهی الهام و انگیزه می‌گرفتند تا کلام مکتوب.

مردم قرون وسطا مذهب خود را از طریق نقاشیهای روی دیوارهای کلیسا فرا می‌گرفتند. حتی امروز هم فقط کافی است به جاهایی در بعضی نقاط دنیا بپردازیم که وعظ و مراسم مذهبی در فضای باز برپا می‌شود؛ آوازه‌ها و حکایات پندآموز در محلهای کار یا کنار آتش خوانده و نقل می‌شود؛ یا به تماشای فراوان بین باسوادها و مردم «تحصیلکرده» یا اهمیت افراد خودآموخته‌ای فکر کنیم که غالباً نقش میانجی را بازی می‌کنند. از همین راهها بود که نظریات کسانی چون ولتر یا روسو به گوش توده‌های انقلابی رسید که می‌گفتند از این متفکران الهام گرفته‌اند بدون آنکه کتابهایشان را خوانده باشند.

در نهایت اینکه، طی یکصد سال گذشته، رسانه‌های ارتباطی نوین کلام ضبط شده و تصویر متحرک را ارائه کرده